

# منتخب جوانان

## مجتبی سلطانی

با نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری فرصتی دست داد تا به سراغ تعدادی از جوانان برویم و نظرات آنان را پیرامون انتخابات جويا شویم.

در میان افرادی که به سراغشان رفتیم عده‌ای بدون تردید در لزوم حضورشان، از خصوصیات کاندیدای مورد نظرشان سخن می‌گفتند و عملکرد کاندیداهای انتخاب شده دوره‌های قبل را نقد می‌کردند، اما برخی مصّرانه از عدم حضور سخن می‌گفتند. این تعداد از جوانان که به دلیل عدم برآورده شدن نیازهایشان بسیار بدبینانه به موضوع نگاه می‌کردند هیچ ضرورتی را برای حضور در انتخابات اخیر احساس نمی‌کردند.

آنچه می‌خوانید گفت‌وگوی صمیمی با چند تن از جوانان جامعه اسلامی ما. شایسته است به پای درد دل این عزیزان بنشینیم. با هم می‌خوانیم:

حمید، ۲۰ ساله که به تازگی از خدمت سربازی برگشته است می‌گوید: «ما جوان‌ها بیشتر یک طعمه هستیم، هرچند سال یکبار انتخاباتی برگزار می‌گردد و پس از گذشت ۲۳ سال از پیروزی انقلاب با وجود این همه افرادی که با شعارهای مختلف روی کار آمده‌اند هنوز مشکلات جوانان پابرجاست کاندیداها مثل صیادی که طعمه را برای گول زدن شکار نشان می‌دهد، از جوان و نیازهای او صحبت می‌کنند اما کو عمل؟»

### ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم

### هفت شهر عشق را عطار گشت

حمید که زنجیروار حرف می‌زند و مجال صحبت به ما نمی‌دهد معتقد است که انتخابات سرکاری است. منصور، ۲۳ ساله دانشجو از جمله کسانی است که در اصل انتخابات تردید دارد. او معتقد است چه رأی بدهد و چه رأی ندهد دردی از او دوا نخواهد شد. منصور مشکلات کشور را ریشه‌ای و اساسی دانسته و حل آن را به دست رئیس‌جمهور نمی‌داند لذا می‌گوید: «شرکت در انتخابات علاج مشکل من نیست.»

داوود، ۲۰ ساله، بیکار با همان لحن پایین شهری‌اش می‌گوید: «از این به بعد نمی‌خوام تو شناسنامه مهر بخوره.» داوود به شدت بدبین است و می‌گوید: «۳۰ میلیون نفر رأی می‌دهند حالا ما هم رأی نمی‌دهیم چیزی از کسی کم نمی‌شود.» علی بر عکس حمید، منصور و داوود، معتقد است که نباید در اصل حضور شک کرد. به نظر علی، انتخابات یعنی واگذار کردن تعیین سرنوشت کشور به مردم و عدم حضور ما یعنی استفاده نکردن از حق طبیعی‌مان.

علی که معلم است اعتقاد دارد حتی کسانی که به سن قانونی نرسیده‌اند با بیان خواسته‌هایشان از جامعه و زندگی می‌توانند به بزرگترها در انتخاب کاندیدا کمک کنند و در واقع این حق آنهاست که بگویند از جامعه چه می‌خواهند. خانم فغانی، ۲۳ ساله، رادیولوژیست می‌گوید: «تجلی اراده مردم در آراء آنهاست و اگر هر یک از ما تکلیف را بر دوش دیگری بیندازد، هرگز حضوری چشمگیر نخواهیم داشت.» به نظر او انتخاب رئیس‌جمهور با رأی بالا مظهر اقتدار ملی است و می‌تواند نشان از مردمی بودن نظام باشد.

آقای جلالی، ۲۰ ساله، طلبه، رفتن به پای صندوق رأی را یک امر مقدس می‌داند او می‌گوید: «تجسم یک حکومت اسلامی، حکومت ایران است. چنانچه موفق باشد در واقع حاصل اندیشه سیاسی اسلام موفق بوده است. طبیعی است که حضور اندک ما در پای صندوق‌های رأی موجب ناامیدی و دلزدگی مردم ما از نظام و موجب شادی کسانی گردد که معتقدند اسلام برنامه خاصی برای اداره کشور ندارد.»

زهره یعقوبی، معلم ریاضی است که همه چیز را عددی نگاه می‌کند. او می‌گوید: «ضرورت حضور در انتخابات بدیهی است. دو دو تا چهارتا است. من یک شهروند هستم باید در سرنوشتم دخالت کنم. طبیعی است که ما نمی‌توانیم همگی مستقیماً در امور اجرایی



دخالت کنیم لذا نمایندگانی انتخاب می‌کنیم که از طرف ما قانون‌گذاری کنند. رئیس‌جمهور انتخاب می‌کنیم که قوانین را اجرا کند و شورای نگهبان هم که از سوی رهبر منتخب ما تعیین می‌گردد وظیفه نظارت را بر عهده دارد. ضمناً ما این اختیار را هم داریم که هر ۴ سال یک‌بار نیروهای منتخبمان را تغییر دهیم. پس به واقع عدم حضور در انتخابات یعنی این‌که ما حق خودمان را به دیگران داده‌ایم، در چنین صورتی همه مشکلات جامعه ناشی از بی‌تفاوتی ما خواهد بود.

از اصل حضور که بگذریم شرایط انتخاب‌شوندگان موضوعی است که جای بحث دارد و البته در این مجال مختصر نمی‌گنجد. محسن ناصری: مثبت‌کار معتقد است که در کشور ما تبلیغات حرف اول را می‌زند. به همین دلیل کسانی که ابزارهای تبلیغی را در دست دارند بیشتر امکان برنده شدن دارند. وی در پاسخ به این‌که چرا تبلیغات حرف اول را می‌زند می‌گوید: «ظاهری‌بینی و عدم مطالعه دقیق موجب می‌شود که تبلیغات که بیان سطحی ظواهر است موفق باشد.»

به نظر محسن اگر تمام کسانی که شرایط رأی دادن دارند با اطلاع کامل و مطالعه دقیق نسبت به انتخاب کاندیدای موردنظرشان اقدام کنند صالح‌ترین و شایسته‌ترین فرد را انتخاب خواهند کرد.

خانم نصیری، ۲۲ ساله، طلبه، نسبت به عدم رعایت موازین اسلامی در ایام انتخابات گلهمند است. خانم نصیری معتقد است شخصی که در شعارهای انتخاباتی خود مسایلی را عنوان می‌کند که اساساً امکان تحقق نداشته و کذب محض است، همچنین نسبت به رقبای خود تبلیغ منفی می‌کند چنین شخصی به دلیل عدم رعایت موازین شرعی شایستگی انتخاب ندارد. آقای نادرزاده، بیکار می‌گوید: «سال‌هاست که رفع مشکل بیکاری اصلی‌ترین شعار کاندیداها در هر انتخاباتی است ولی همچنان من و امثال من گرفتار بیکاری هستیم.»

جواد، ۱۸ ساله، محصل می‌گوید: «چون سابقه سیاسی یکی از شرایط کاندیداهای ریاست جمهوری است به سادگی می‌توان با نگاه به سابقه هر کاندیدا و عملکرد و صلاحیت یا عدم صلاحیت او را برای انتخاب تشخیص داد. و اگر کاندیدای موردنظر قبلاً رئیس‌جمهور بوده باشد. این امکان با مقایسه عملکرد و شعارهای انتخاباتی دوره قبل و دوره جدید، بیشتر امکان‌پذیر است.»

خانم رفیعی، محصل، معتقد است شرایط لازم برای هر انتخابات نسبت به انتخابات قبل و بعد فرق می‌کند در یک شرایطی جامعه ما نیازمند یکسری چیزهاست که در شرایط دیگر این نیازها تغییر می‌کند. به همین دلیل نمی‌توان حکم کلی داد ولی یکسری شرایط همیشه ثابت است و آن اعتقاد و التزام به اصول انقلاب و اسلام است.»

خانم رفیعی سیاست نه شرقی نه غربی، ادامه راه امام، پایبند بودن به ارزش‌های دفاع مقدس و پیروی از ولایت فقیه را از اصول لایتغیر انقلاب بر می‌شمرد.

رضا، ۲۵ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی تعیین شرایط فرد انتخاب‌شونده را منوط به تعریف صحیح ما از رئیس‌جمهور و وظایف او می‌داند. رضا معتقد است که بسیاری از افراد به دلیل این‌که تعریف صحیحی از نقش رئیس‌جمهور ندارند به افرادی رأی می‌دهند که در انجام ابتدایی‌ترین وظایف رئیس‌جمهور مشکل دارند. رضا می‌گوید: «تأیید صلاحیت نامزدها توسط شورای نگهبان هرگز به معنای اصلح بودن آنها نیست.»

«عمل به جای شعار» شرط مجید برای انتخاب کاندیدای مورد نظرش می‌باشد. او می‌گوید «آن قدر حرف شنیدم و عمل ندیدم که دیگر به هیچ عنوان فریب شعارهای فریبنده را نخواهم خورد.»

شما به عنوان یک جوان چه نظری دارید؟ آیا اساساً ضرورتی برای حضور احساس می‌کنید؟ چنانچه قصد شرکت دارید، ویژگی کاندیدای موردنظر شما چیست؟

هرگز فراموش نکنید که:

**کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتہ**

یا حق.

